

## روند بارسلون (شراکت اورو - مدیترانه)

### و کارنامه ده ساله آن

#### مقدمه

نظریات و دیدگاه‌ها درباره پایه‌های راهبردی و انگیزه‌های سیاسی - امنیتی و علل فرهنگی - اجتماعی شروع روند بارسلون (شراکت اورو - مدیترانه) در ۲۸ - ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵، هنوز به‌طور شفاف روشن نیست. به همین دلیل، بررسی و پیگیری مسیر ده ساله این روند در ابعاد مختلف و از زوایای متفاوت، دشوار است. دیدگاه اروپایی‌ها (طراحان این ابتکار عمل) و کشورهای عربی آفریقایی حوزه مدیترانه (طرف منفعل و متأثر از این روند) درباره کارنامه ده ساله این روند، متفاوت و متناقض است. عدم حضور فعال سران اعراب در اجلاس بارسلون (۶-۷ آذر ۱۳۸۴/۲۶-۲۷ نوامبر ۲۰۰۵) نمودی آشکار از نارضایتی طرف جنوبی حوزه مدیترانه بوده است.

در روزهای ۶ و ۷ آذر ۱۳۸۴، در شهر بارسلون به مناسبت دهمین سالگرد آغاز روند شراکت اورو - مدیترانه، نشست‌های در سطح سران کشورهای عضو، برگزار شد. در این اجلاس، سران و مقامات بلندپایه ۳۸ کشور (۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا، سه کشور کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا (رومانی، بلغارستان و کرواسی) و هشت کشور عربی مدیترانه (مصر، دولت خودگردان فلسطین، اردن، لبنان، سوریه، مراکش، الجزایر و تونس)

و رژیم صهیونیستی، ترکیه، کشورهای لیبی و موریتانی و اتحادیه عربی (به عنوان اعضای ناظر) شرکت کردند و عدم حضور سران عرب به استثنای محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین، برای جهانیان و به ویژه طرف اروپایی، سؤال انگیز و نگران کننده بود. رسانه گروهی بین‌المللی و منطقه‌ای، کم رنگ بودن حضور اعراب در این اجلاس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نظریات مختلفی درباره آن مطرح نمودند.

### اولویت‌ها و انگیزه‌های تأسیس

پیرامون بستر و زمینه تأسیس روند بارسلون در سال ۱۹۹۵ و اولویت‌ها و انگیزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، نظریات و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که برخی از آنها در این مقاله مطرح می‌شود.

۱. این طرح، بخشی از برنامه ترمیمی وحدت و یکپارچگی اروپا بوده است. پس از فروپاشی شوروی و انحلال بلوک شرق و وحدت دو آلمان، انگیزه اروپایی‌ها جهت ترمیم وحدت سنتی اروپا، تشدید شد و تأکید بر اروپا محوری و مرکزیت آن به‌طور مستمر، مطرح می‌شد. در همین راستا، ضرورت توجه به دریای مدیترانه به عنوان دریاچه اروپایی و مرز طبیعی اروپا در جنوب در ادبیات سیاسی سران و شخصیت‌های سیاسی کشورهای اروپایی حوزه مدیترانه، نمود برجسته‌ای پیدا کرد.
۲. فرانسه یکی از طراحان این روند بوده و انگیزه‌های آن در عناصر زیر خلاصه می‌گردد:

الف: تقویت وحدت اروپا به عنوان یک قدرت سیاسی و اقتصادی در قبال آمریکا.  
 ب: تقویت اهتمام اروپا به حوزه مدیترانه باعث بازگشت مرکزیت حوزه مدیترانه به عنوان کانون تمدن و فرهنگ اروپا و به‌طور سنتی تداوم این روند، به بازگشت

مرکزیت اروپای لاتین و اروپای کهن (فرانسه، اسپانیا و ایتالیا) کمک فراوانی خواهد کرد.

ج: افزایش اهتمام به دریای مدیترانه به عنوان یک حوزه فرهنگی و تمدنی، زمینه‌ساز تقویت و بازیافتن اقتدار سنتی فرهنگ فرانکفونی خواهد بود. به‌طور سنتی و از لحاظ تاریخی، اغلب پایه‌ها و اصول فرهنگی حوزه مدیترانه همیشه تحت چیرگی فرهنگ فرانسوی بوده است و این حوزه در حقیقت عمق فرهنگی و تمدنی فرانسه بوده؛ از این رو فرانسوی‌ها سعی دارند، آسیب‌ها و زیان‌هایی را که به زبان، ادبیات و فرهنگ فرانکفونی رسیده، جبران و ترمیم کنند.

۳. دیپلماسی اسپانیا: پس از مرگ فرانکو، اسپانیا در دهه هشتاد سعی در ترمیم و بازگشت جایگاه و نقش این کشور در منطقه و جهان، نمود.

فرناندو موران، وزیر خارجه اسبق اسپانیا، در سال ۱۹۸۰ به ثبات و امنیت و صلح در مدیترانه دعوت کرد. اهتمام به حوزه مدیترانه در مقدمه اولویت‌های سیاست خارجی مادرید بوده و با پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۶، اسپانیا در این تکاپو بوده که توجه اتحادیه اروپا را به حوزه مدیترانه تشدید و توسعه دهد. اسپانیا با ۱۴ کیلومتر فاصله از مراکش، نزدیک‌ترین کشور اروپایی به حوزه جنوبی مدیترانه است؛ از این رو همیشه تحت تأثیر تحولات منطقه مغرب عربی بوده است که از دیدگاه اروپایی‌ها این منطقه کانون تهدیدزا برای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.

فعال شدن سیاست خاورمیانه اسپانیا با برگزاری کنفرانس جهانی صلح در مادرید در ۱۹۹۱ بخشی از تلاش دیپلماسی مادرید جهت بازگشت جایگاه سنتی این کشور در منطقه و جهان بوده است. این دیپلماسی در اداره ادواری اتحادیه اروپا فعال بوده و نتایج

خوبی داشته است. اسپانیا در ریاست اتحادیه اروپا در نیمه اول ۱۹۸۹ موفق شد نظام اجرایی تعامل با واحد پولی اروپا (ایکو) را به نتیجه برساند.

همچنین در نیمه دوم ۱۹۹۵ توانست روند بارسلون را در صحنه سیاست حوزه مدیترانه مطرح سازد. مادرید در ریاست اتحادیه اروپا در نیمه اول ۲۰۰۲ توانست زمینه پیوستن ده کشور به اتحادیه اروپا را فراهم سازد. اگرچه این اقدام (توسعه اتحادیه اروپا) تأثیرات منفی بر روند بارسلون داشته، ولی در مجموع، از موفقیت‌های اسپانیا محسوب می‌شود.

اسپانیا در جنگ علیه عراق و سقوط صدام، متحد آمریکا بود؛ ولی پس از اندک زمانی نیروهای خود را از عراق فراخواند. مسئولان اسپانیا به سه نکته اساسی توجه جدی دارند و در مناسبت‌های مختلف به‌طور آشکار به آن اذعان می‌دارند. این سه نکته عبارت است از:

۱. انگیزه‌ها و توجه کشورهای اتحادیه اروپا به حوزه مدیترانه یکسان نبودند و این انگیزه‌ها و اهتمام، پیرو منافع ملی این کشورهاست.
  ۲. سیاست واحد اتحادیه اروپا و کشورهای آن در قبال قضایا و مسائل خاورمیانه بدون هماهنگی و موافقت آمریکا ناممکن است.
  ۳. اروپا به تنهایی از تأمین امنیت خود ناتوان و عاجز است.
- اسپانیا به دلیل تأثیرات حوزه مدیترانه بر امنیت و اقتصاد آن، انگیزه‌های فراوانی برای فعال‌سازی اتحادیه اروپا در این حوزه دارد و در این راستا، قصد دارد نقش و جایگاه برجسته‌ای در حوزه مدیترانه و منطقه خاورمیانه به دست آورد.
۴. تأمین امنیت حوزه مدیترانه و تبدیل آن به دریاچه صلح، از اولویت‌های مشخص طرح روند بارسلون بوده است و از دیدگاه طراحان این روند، بدون

حل منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی و موفقیت روند صلح اعراب - اسرائیل، صلح و ثبات و امنیت در منطقه شرقی و جنوبی حوزه مدیترانه مفهومی واقعی نخواهد داشت؛ از این رو یکی از اهداف طراحان این روند، برقراری صلح و آشتی میان اسرائیل و اعراب بوده است.<sup>۱</sup>

۵. اروپا به خوبی می‌داند که مبارزه با تروریسم، مهاجرت‌های غیرقانونی و جرایم سازمان یافته، بدون همکاری کشورهای عربی ناممکن است؛ بنابراین با طرح این روند که ظواهر اقتصادی و توسعه‌ای دارد، سعی بر آن داشت حمایت‌های اعراب را در این مبارزه جذب کند.

همچنین اروپا تلاش دارد اعراب را به سمت خلع سلاح کشتار جمعی و کاهش تسلیحاتی سنتی و امضای قراردادهای CTBT، CWC، NPT برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی سوق دهد و سعی دارد راه حل‌هایی برای عاری کردن منطقه خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی، ایجاد کند.

۶. کارنامه ده سال روند بارسلون نشان داده که انگیزه‌های اقتصادی و مالی و ایجاد منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۱۰، از سوی اروپاییان به‌طور اساسی جدی نبوده و شاید تحت تأثیر تحولات حادثه یازدهم سپتامبر از اهداف اقتصاد - مالی مطرح شده، منحرف و صرف‌نظر نموده است.

۱. پس از کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱، روند مذاکرات اعراب و اسرائیل شدت گرفت. موافقتنامه صلح اردن و اسرائیل در وادی عربیه ۱۹۹۴، موافقتنامه صلح سازمان آزادی‌بخش فلسطین - اسرائیل در اسلو.

## اعلامیه بارسلون

وزیران خارجه کشورهای اتحادیه اروپا، آلمان، اسپانیا، اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، سوئد و انگلیس) و کشورهای عربی حوزه مدیترانه (اردن، لبنان، سوریه، فلسطین به رهبری یاسر عرفات، مراکش، الجزایر، تونس و مصر) و کشورهای غیر عربی حوزه مدیترانه (قبرس، مالت، ترکیه و رژیم اسرائیل) در اجلاس بارسلون گرد آمدند و پس از دو روز مذاکره در روزهای ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵ اعلامیه شراکت اورو - مدیترانه معروف به روند بارسلون را امضا نمودند. پایه‌های شراکت در سه زمینه زیر است:

**الف: شراکت سیاسی و امنیتی:** تلاش برای ایجاد منطقه صلح و ثبات در حوزه مدیترانه.

**ب: شراکت اقتصادی و مالی:** تلاش برای ایجاد منطقه اقتصاد شکوفا و منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۱۰ و تقویت همکاری اقتصادی مشترک.

**ج: شراکت اجتماعی، فرهنگی و انسانی:** تلاش برای توسعه منابع انسانی و تشویق تفاهم میان فرهنگ‌ها و ایجاد ارتباطات میان جوامع مدنی کشورهای مدیترانه. کشور لیبی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی براساس مصوبات و قطعنامه‌های شورای امنیت و به علت خصومت و دشمنی میان طرابلس و غرب، از عضویت در این روند خودداری کرد و جنگ تبلیغاتی علیه آن در سطح محلی و منطقه‌ای به راه انداخت.

## انگیزه‌ها و بازدارنده‌ها

کشورهای عربی و آفریقایی حوزه مدیترانه با انگیزه‌های متفاوتی در این روند شرکت کردند و هر کدام از آنها نسبت به سیاست‌ها و اولویت‌های این روند، تحفظات و

حساسیت‌های گوناگونی داشتند. انگیزه‌های اغلب کشورهای عربی در پیوستن به این روند را می‌توان در نکات زیر خلاصه نمود:

۱. استفاده از چتر اروپایی این روند برای تقویت مناسبات دو جانبه خود با کشورهای اتحادیه اروپا و بهره‌برداری از تسهیلات تجاری و مالی این اتحادیه.

۲. برخی کشورها همچون سوریه، مصر و الجزایر برای حفظ حاکمیت و استقلالشان در روابط خود با جامعه بین‌الملل از توازن میان اتحادیه اروپا و آمریکا استفاده می‌کنند.

همچنین تحفظات و حساسیتهای اغلب کشورهای عربی در عضویت این روند، در محورها و مسائل زیر خلاصه شده است:

۱. شریک اروپایی به دنبال حمایت از اسرائیل و امنیت آن بود؛ بنابراین از اعراب می‌خواست به روند صلح و مذاکره با این رژیم بپیوندد.

۲. اروپا نظام دموکراسی و کثرت‌گرایی و احترام به جامعه مدنی و حقوق بشر و تسامح با ارزش‌های غربی را بر جامعه عربی تحمیل می‌کند.

۳. اروپا از اعراب می‌خواست در هزینه مقابله با تروریسم، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، مشارکت کنند و در این راستا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از اعراب حوزه مدیترانه می‌خواست که از مرزهای مدیترانه اروپا در قبال عناصر تهدیدزا همچون مهاجرت‌های غیرقانونی و انواع قاچاق‌ها حفاظت کنند.

## سوابق همکاری مشترک کشورهای حوزه مدیترانه

کشورهای منطقه مدیترانه در زمینه‌های مختلف، پیش از روند بارسلون همکاری‌های مشترک داشتند؛ از جمله:

۱. همکاری در زمینه منابع آبی براساس موافقتنامه رم در سال ۱۹۹۲.
۲. همکاری در زمینه سازماندهی و هماهنگی صنعت جهانگردی براساس موافقتنامه کازابلانکا که در سال ۱۹۹۵ به امضا رسید.
۳. همکاری در زمینه پارلمانی و توسعه ارتباطات و تعمیق روابط میان مجالس پارلمانی کشورهای حوزه مدیترانه‌ای در این زمینه، در شهر والیتا، پایتخت کشور مالت، در روزهای ۱ تا ۴ نوامبر ۱۹۹۵ نشستی از سران پارلمان‌های کشورهای مدیترانه‌ای برگزار شد و رئیس پارلمان مصر به ریاست اولین مجمع بین‌المجالس حوزه مدیترانه، برگزیده شد.

## دهمین سالگرد تأسیس شراکت اورو - مدیترانه و کارنامه روند بارسلون

اسپانیا به عنوان میزبان اولین نشست تأسیس روند بارسلون با همکاری و همراهی انگلیس به عنوان ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس روند بارسلون، نشست سران اعضای این روند را با شرکت ۳۸ کشور در ۶ و ۷ آذر ماه امسال برگزار کرد. عدم حضور سران اعراب به استثنای محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین، برای محافل سیاسی و رسانه‌ای سؤال‌انگیز بود.

به رغم تلاش دولت اسپانیا برای کسب موفقیت‌های فراوان از برگزاری این نشست، نتایج حاصل اندک و برای بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا ناامیدکننده بود. قبل



از برگزاری این اجلاس، اعراب و اروپا بر سر موضوعات مورد کنکاش نشست سران، اختلاف نظر داشتند. دامنه این تناقض در جلسات این کنفرانس آشکار بوده است. اسپانیا برای رسیدن به موفقیت‌های فراوان در این اجلاس، حساسیت‌های اعراب را درک کرد ولی آشکارا از آن اغماض نمود؛ به طوری که خوان کارلوس، پادشاه اسپانیا، در سخنرانی افتتاحیه اجلاس، سخنی از نقض حقوق بشر در جهان عرب، بیان نکرد و به همین دلیل نیز با عکس‌العمل شدید سازمان‌ها و گروه‌های حقوق بشر جهان عرب مواجه گردید و طی بیانیه‌ها و اظهاراتی فرصت‌طلبی اروپایی‌ها را محکوم و فاش نمودند. از جمله موضوعات مطرح شده در این اجلاس که با شکست مواجه شد، وضعیت سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه بود.

### مبارزه با تروریسم

شالوم، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، نسبت به عدم درج موضوع برچیده شدن و نابودسازی کلیه سلاح‌های کشتار جمعی توسط کشورهای عربی، در اجلاس سران اعتراض نمود. اعراب درباره مبارزه با تروریسم موضع داشته و خواهان تعریف از تروریسم و بیان تفاوت آن با مقاومت مردمی بودند. وزیر خارجه لبنان به نمایندگی از اعراب درباره روند صلح خاورمیانه اظهار داشت که طرح صلح اعراب، مصوبه اجلاس سران اتحادیه عرب در بیروت ۲۰۰۳ بود که در اجلاس سران اتحادیه عرب در الجزایر در سال ۲۰۰۵ نیز تصویب و تأیید شد و راه حلی برای برقراری صلح در منطقه مطرح گردید. در مقابل، اسرائیلی‌ها آینده صلح در خاورمیانه را منوط به مبارزه با تروریسم و تخلیه منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی دانستند.

## عوامل تأثیرگذار بر روند بارسلون

بسیاری از آگاهان به قضایا و مسائل اروپا و حوزه مدیترانه و جهان عرب، معتقدند که برخی عوامل بر انحراف روند بارسلون تأثیر گذاشته و همین عوامل باعث شکست این طرح در رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده بود. این کارشناسان این عوامل را در محورهای زیر برمی‌شمارند:

۱. تشدید رقابت میان آمریکا و اروپا در بسیاری از حوزه‌های ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک به ویژه منطقه مغرب عربی و حوزه مدیترانه. پس از گذشت دو سال از آغاز روند بارسلون، آمریکایی‌ها طرح شراکت آمریکا - شمال آفریقا معروف به طرح «شراکت ایزنستات» را مطرح می‌کنند. این طرح برای کشورهای مغرب عربی جاذبه‌های بیشتری داشته است.
۲. توسعه اتحادیه اروپا با پیوستن ده کشور جدید در سال ۲۰۰۴، باعث کاهش اهتمام اتحادیه اروپا به حوزه مدیترانه گردید و در این راستا، این امر به کاهش اعتبارات مالی و تسهیلات اقتصادی و مالی در اروپا در امر توسعه و بازسازی زیر ساختارهای کشورهای عربی حوزه مدیترانه منجر شد. اعراب به‌طور آشکار اظهار می‌دارند که اتحادیه اروپا به خاطر کمک به کشورهای اروپا شرقی و اعضای جدید خود، به وعده‌های خود عمل نکرد و محورهای شراکت اقتصادی و مالی و شراکت اجتماعی، فرهنگی و انسانی را به فراموشی سپرد و اکنون اروپا تنها شراکت سیاسی و امنیتی را مطرح می‌کند که سودی برای اعراب حوزه مدیترانه در بر ندارد.
۳. حادثه یازدهم سپتامبر، روند شراکت سیاسی و امنیتی را از شراکت او رو - مدیترانه به سود آمریکا در جهت مقابله با تروریسم و مبارزه با بنیادگرایی

اسلامی ر بوده است. در موضوع شراکت سیاسی و امنیتی، اروپایی‌ها مبارزه با مهاجرت‌های غیرقانونی و انواع قاچاق‌ها و جرایم سازمان یافته را در اولویت می‌دانند؛ ولی با حادثه یازدهم سپتامبر و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن، مبارزه با تروریسم در مقدمه اولویت‌های امنیتی اروپا قرار گرفت. انفجارهای لندن و مادرید عوامل تشدید کننده این روند بود و شراکت امنیتی - اطلاعاتی در این اوضاع بر کلیه محورهای شراکتی میان اتحادیه اروپا و حوزه مدیترانه چیره شد، این روند بر اختصاص اعتبارات و تسهیلات مالی و بانکی برای بخش‌های زیرساختاری و توسعه‌ای، تأثیرات منفی داشته است.

۴. به نظر حسونه الشاوش، سخنگوی وزارت خارجه لیبی، اهداف و اولویت‌های روند بارسلون به‌طور شفاف روشن نبوده و حاوی افکار و طرح‌های متناقض بوده است. اروپایی‌ها در تلاش بودند یک شیوه زندگی و نظم سیاسی که حاصل یک قدرت منسجم (اتحادیه اروپا) بود را بر مجموعه‌ای از کشورهای تجزیه شده و عقب مانده (اعراب) تحمیل کنند و این عوامل مانع از تحقق اهداف روند بارسلون شده است.

### نظریات و دیدگاه‌های پیرامون کارنامه ده ساله روند بارسلون

در سال ۱۹۹۵ کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه مدیترانه برای ایجاد منطقه‌ای باثبات و همراه با صلح گرد هم آمدند. اکنون پس از گذشت ده سال، منطقه خاورمیانه و حوزه مدیترانه به منطقه ناامنی تبدیل شده و انفجارهای کازابلانکا، شرم‌الشیخ،

امان، بیروت، بغداد و شهرهای عربستان سعودی، مصادیقی از این آشفتگی و بی‌نظمی است.

احزاب راستگرا و میان‌رو اروپا در پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۵، کارنامه امیدوارکننده‌ای درباره روند بارسلون ارائه دادند که با اعتراض احزاب چپ‌گرا و سبز و طرفداران محیط زیست روبه‌رو شد و اکنون آنها در صدد تدوین دیدگاه‌های خود پیرامون کارنامه ده ساله بارسلون هستند.

- اروپایی‌ها اعراب را متهم می‌کنند که ساختارهای سیاسی و اقتصادی جنوب، آمادگی دریافت کمک‌ها و تسهیلات مالی و اقتصادی آنها نبوده است و فساد مالی و اداری حاکمیت عربی مزید بر علت شده است.

- اروپایی‌ها اذعان دارند که طی ده سال اخیر، ۴ میلیارد یورو به صورت وام‌هایی با تسهیلات از سوی بانک سرمایه‌گذاری اروپا به کشورهای حوزه مدیترانه و ۲ میلیارد یورو برای حمایت از سرمایه‌گذاری در جنوب و ۷۴۰ میلیون یورو برای کمک به نهادهای آموزش و پرورش و حفظ محیط زیست و توسعه انرژی و فناوری به کشورهای جنوب داده‌اند.

- اروپایی‌ها اعتراف دارند که اختلاف درآمد ناخالص اروپا با درآمد ناخالص اعراب حوزه مدیترانه، بین ۲۰ تا ۲۵ برابرست و این اختلاف عمیق، مانع از ایجاد یک شراکت همه‌جانبه و جدی میان اتحادیه اروپا و کشورهای عربی حوزه مدیترانه بوده است.

## ارزیابی منطقه‌ای از روند بارسلون

کارشناسان و آگاهان عرب در رشته‌ها و علوم تخصصی مختلف، دیدگاه‌های انتقادی نسبت به جدیت شراکت اورو - مدیترانه، دارند. خلاصه این دیدگاه‌ها به شرح زیر بوده است:

۱. اتحادیه اروپا در این شراکت، کشورهای عربی حوزه مدیترانه را از منظر اقتصادی می‌نگرد و سعی دارد منطقه مغرب عربی و دیگر کشورهای عربی مدیترانه را به عنوان بازار مصرفی کالاهای اروپایی نگه دارد.
۲. از دید کارشناسان اقتصادی عرب، کمک اتحادیه اروپا به توسعه و بازسازی زیرساخت‌های کشورهای عربی منطقه مدیترانه، شبیه یک افسانه است و با بررسی حجم کمک‌های اتحادیه اروپا به کشورهای اروپای شرقی و مرکزی می‌توان این واقعیت را به اثبات رساند.
۳. صلح و ثبات در این حوزه، بدون حل عادلانه قضیه فلسطین و خروج صهیونیست‌ها از سرزمین‌های اشغالی در جنوب لبنان و جولان ناممکن است. حضور اتحادیه اروپا در قضیه خاورمیانه بیشتر به سود رژیم صهیونیستی بوده است.
۴. کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه کشورهای مدیترانه‌ای که در طراحی این شراکت (روند بارسلون گ) سهم زیادی داشته‌اند، سعی دارند با تأسیس این روند، فرهنگ و تمدن مدیترانه‌ای را در قبال تهاجم فرهنگی آمریکا احیا کنند و از اعراب حوزه مدیترانه خواستند تا به اصول و پایه‌های فرهنگی و تمدنی مدیترانه پایبند باشند.

در این میان، فقط نخبگان عرب‌زده عرب طرفدار فرهنگ مدیترانه‌ای هستند؛ از جمله طه حسین که مصریان را به سوی فرهنگ و تمدن مدیترانه (اروپا) دعوت کرده است.

۵. اتحادیه اروپا در خلال مطرح کردن شراکت او رو - مدیترانه، پایه‌های سیاست همسایگی اروپا را نیز مطرح می‌کند و روند بارسلون را گامی به سوی این هدف می‌داند. اتحادیه اروپا در قضیه مهاجرت نیز برخورد دوگانه داشته است. کشورهای اتحادیه اروپا در حالی که از کشورهای روسیه و اروپای شرقی مهاجر می‌پذیرد، ولی قوانین سختی برای قبول و پذیرش مهاجران منطقه مغرب عربی وضع نموده است و اروپا در همین حال از اعراب این منطقه خواسته است، بخشی از هزینه‌های مبارزه با مهاجرت غیرقانونی را بپردازد.

۶. پذیرند به عنوان پاسگاه‌های مرزی در قبال مهاجرت غیرقانونی عمل کنند.

۷. اتحادیه اروپا در موضوع مبارزه با تروریسم، میان تروریسم و مقاومت ملی ضد اشغالگری تفاوت روشنی قائل نبوده و گروه‌های حماس و جهاد اسلامی و حزب‌الله لبنان را جزو گروه‌های تروریستی دانسته است. حمایت اتحادیه اروپا از سیاست‌های ضد تروریستی آمریکا، باعث تشکیک در مصادیق شراکت او رو مدیترانه شده است.